

پیشگفتار

عشق به یادگیری موهبتی الهی است که خداوند متعال در وجود انسان به ودیعه نهاده و به واسطه آن، او را بر سایر موجودات برتری بخشیده است. به همین جهت، مراتب سپاس خود را به درگاه خداوندی ابراز می‌نماییم که عشق به دانایی را در وجودمان به ودیعه نهاد و پیامبر گرامی خود را با پیام «اقراً» برانگیخت تا ما را از گهواره تا گور در چگونگی پیمودن مسیر دانایی راهنما باشد. توانایی یادگیری در انسان همواره وجود داشته، اما در زمان‌های گذشته در مقایسه با عصر حاضر، نیاز کمتری به آن احساس می‌شد، زیرا تغییر و تحولات سریع جهانی، چهره‌ای تازه به زندگی انسان بخشیده و اوضاع نوینی را پدید آورده است. این اوضاع بیانگر آن است که تنها جوامعی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که افراد آن پیوسته در حال یادگیری باشند و قابلیت رقابت‌پذیری و سازگاری خود را افزایش دهند. به این ترتیب، ما به قرنی پا گذاشته‌ایم که برخی آن را، قرن «یادگیری» نامیده‌اند. توجه به این ویژگیها موجب شده تا ایده «یادگیری مادام‌العمر» بیش از گذشته، مطرح شده و ابعاد تازه‌ای به خود گیرد.

پیام نهفته در این ایده آن است که یادگیری انسان، اعم از رسمی، غیررسمی و اتفاقی، در سراسر دوران زندگی روی می‌دهد. این یادگیریها محدود به محیط‌های رسمی نمی‌شوند بلکه همه مکانها از جمله مدرسه، دانشگاه، خانه، کتابخانه، موزه و پارک، محل یادگیری اند. این دیدگاه بر این درک استوار است که یادگیری رسمی بطور عمد در مؤسسات آموزشی روی می‌دهد و منجر به مدرک رسمی می‌شود، اما یادگیری غیررسمی، در خارج از نظام‌های آموزشی، در محل کار و از طریق فعالیتهای یادگیری فراهم شده توسط سایر مؤسسات روی

می‌دهد. به دلیل نقش ویژه آموزش عالی در تولید و نشر دانش، تکنولوژی و توسعه اقتصادی-اجتماعی، صاحب‌نظران آن را محور یادگیری مادام‌العمر دانسته‌اند که باید به طور اساسی تغییر یافته، شکل جدیدی را بپذیرد. با توجه به اینکه معمولاً وظیفه آموزش عالی به سه حوزه تدریس، تحقیق و خدمات تقسیم می‌شود، مأموریت آموزش عالی باید تحکیم و حمایت از یادگیری مادام‌العمر در هر یک از این سه حوزه باشد. ایجاد نظامهای آموزشی پاره وقت، آموزش از راه دور، آموزش مداوم شغلی و دانشگاههای مجازی، از جمله کارهایی است که در بسیاری از دانشگاه‌ها شروع شده است. بسیاری از دانشگاه‌ها یادگیری مادام‌العمر را محور اصلی سیاست‌های خود قرار داده و وظیفه اصلی خود را پرورش یادگیرنده مادام‌العمر می‌دانند. آنها به جستجوی خط‌مشی‌ها و شیوه‌هایی برآمده‌اند تا از طریق آنها دانشجویان خود را به دانش، مهارتها و نگرشهایی مجهز نمایند تا هم بتوانند و هم بخواهند به یادگیری خود در سراسر دوران زندگیشان ادامه دهند. در نتیجه، تلاشهایی برای دگرگونی برنامه‌های درسی انجام داده‌اند. ایجاد ساختارهای منعطف در دوره‌ها، اجازه ورود از راههای مختلف، توجه به یادگیری خود رهبر و شیوه‌های جدید تدریس، از جمله اقداماتی است که مسئولان این دانشگاهها برای پرورش یادگیرنده مادام‌العمر انجام داده‌اند.

جامعه ما نیز باید به این نکته توجه داشته باشد که در آینده، جهان یک «جامعه جهانی» خواهد بود و همکاری میان کشورها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری نزدیکتر خواهد شد. رشد علم و فناوری در جهان اوضاعی را فراهم آورده که کشور ما نمی‌تواند خود را از پیامدهای آن برکنار دارد. اگر بخواهیم در این مشارکت جهانی، منافع ملی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ کنیم، باید توجه داشته باشیم که با ابزارهای زندگی سنتی و مفاهیم قدیمی این کار امکان‌پذیر نخواهد بود. همه ما نیازمند درک و به کارگیری مفاهیم و شیوه‌های جدید و جامعه‌ای فرهیخته و آگاه هستیم تا بتوانیم آمادگی لازم را برای برخورد با تغییرات، تحولات و پیشامدها به دست آوریم.

بدیهی است نظام آموزش رسمی، بویژه آموزش عالی، رسالت مهمی را در آماده‌سازی مردم در رویارویی با چالشهای قرن بیست و یکم بر عهده دارد. این نظام، باید فراگیران را در تمام دوره‌ها، از جمله دوره کارشناسی هر چه بیشتر به دانش، نگرش و مهارتهای لازم مجهز

پیشگفتار

سازد. فراتر از آن، باید به آنها بینشی دهد تا در پرتو آن بتوانند به یادگیری خود در سراسر زندگی ادامه دهند و در عرصه توسعه اقتصادی و اجتماعی حضوری فعال داشته، به توسعه فردی خود توجه نمایند. واضح است که پرورش چنین افرادی مستلزم تلاش تمام بخشهای آموزش رسمی از پیش دبستانی تا دانشگاه است، اما به دلیل موقعیت کنونی جامعه، به نظر می‌رسد پیش قدمی آموزش عالی بجا باشد، زیرا این بخش از نقش ویژه‌ای در توسعه همه جانبه جامعه برخوردار است و افزون بر این، کانون توجه خانواده‌ها و جوانان است که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. آنان سرمایه‌های بالقوه‌ای هستند که در آینده‌ای نزدیک نقشهای مهم و کلیدی جامعه را بر عهده خواهند گرفت و به همین منظور نیازمند سرمایه فکری و عملی هستند که آموزش دوره کارشناسی دانشگاه باید در اختیار آنها قرار دهد. بدیهی است هر چه این افراد فرهیخته‌تر، آگاه‌تر و با علوم و فناوری روز آشنا تر باشند، بهتر می‌توانند مسیر جامعه را به سوی آینده‌ای امید بخش، بازکنند.

با توجه به موارد مذکور، در این کتاب سعی شده است در کی واقع‌بینانه از ضرورت این نوع یادگیری و لزوم تلاش دانشگاه برای فراهم نمودن زمینه‌های تحقق آن فراهم گردد. در همین راستا، مطالب کتاب در سه بخش مجزا ارائه می‌شود. در بخش اول، مفهوم، چشم‌انداز، ضرورت و ارتباط یادگیری مادام‌العمر با نظام آموزش رسمی بررسی می‌شود. در بخش دوم، نقش و اهمیت آموزش عالی، ویژگیهای یادگیرنده مادام‌العمر و برنامه درسی در حیطه یادگیری مادام‌العمر مطالعه شده، سپس، در بخش سوم، زمینه‌های یادگیری مادام‌العمر در جامعه ما بررسی خواهد شد.

لازم است از کلیه اعضای محترم هیات علمی دانشگاهها که با همکاری و ارائه نظرات خود مشوق ما بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. از اعضای محترم شورای انتشارات دانشگاه اصفهان و مسوولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و نماینده محترم این سازمان در دانشگاه اصفهان که زحمت انجام داوریهای علمی و مقدمات چاپ کتاب را تقبل نمودند، تقدیر و تشکر می‌کنیم. از اظهار نظرهای عالمانه داوران گرامی که ارزشیابی محتوای این کتاب را بر عهده داشته و با پیشنهادات خود به غنی تر شدن آن کمک نمودند، قدر دانی و سپاسگزاری می‌نماییم. همچنین، از مسوولان کتابخانه‌ها و

مراکز اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های شهرهای اصفهان و تهران که در جمع‌آوری اطلاعات ما را یاری نمودند، نیز تقدیر و تشکر می‌نماییم. برای همه این عزیزان توفیق خدمتگزاری هر چه بیشتر در راه علم و دانش را از خداوند درخواست داریم. در پایان، از خانمها پریچهر کریمی، بتول کریمی، مهناز خسروزاد و پریسا کریمی که متن کتاب را به دقت بازخوانی نموده و با پیشنهادات خود به اصلاح آن کمک کردند، از آقای ناصر کریم پور که با حوصله و دقت متن را ویراستاری نمودند و سرکار خانم طلایی و آقای محمدعلی نریمانی که زحمت تایپ و صفحه‌آرایی را بر عهده داشتند، نیز صمیمانه قدردانی می‌نماییم.

امیدواریم این اثر، نقطه آغازی برای حرکت وسیع و همه‌جانبه در راستای تحقق ایده یادگیری مادام‌العمر باشد و هر روز شاهد نوشته‌ها و طرح دیدگاههای جدید از سوی محققان کشور باشیم. در پایان، از همه عزیزان تلاشگر در عرصه تعلیم و تربیت و خوانندگان گرامی در خواست می‌نماییم تا با پیشنهادهای خود ما را در بهبود هرچه بیشتر محتوای کتاب یاری نمایند.

صدیقه کریمی، احمد رضا نصر و کاظم بقراطیان

دانشگاه اصفهان - زمستان ۱۳۸۷